

وقتی به هفتاد سال تلاش و مجاهدت میرزا حسن رشديه در راستای اصلاح نظام تعلیم و تربیت و بنیانگذاری مدارس جدید فکر می‌کنم و گزارش آن همه مشقت جسمی و روحی را می‌خوانم، از صبر و همت او شگفت‌زده می‌شوم.

حتما قبل و بعد از رشديه بوده‌اند کسانی که به اصلاح نظام آموزشی کشور اقدام کرده‌اند، اما هیچ کدام همت و پشتکار رشديه را نداشته‌اند. اکثر آن‌ها بعد از مدتی، دست از کار کشیده‌اند و عطای این کار را به لقاییش بخشیده‌اند. میرزا حسن رشديه، تمام سختی‌ها را با آغوش باز قبول کرد و در برابر مخالفان (عوام و خواص) ایستادگی نمود. اگر گذشتگان، قدر هفتاد سال تلاش رشديه را به خوبی ادا نکردند و نام و یاد او را پاس نداشتند، امروزه که هفتاد سال از مرگ او گذشته، ما چه کرده‌ایم؟

آیا وزارت آموزش و پرورش و فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، دین خود را نسبت به این بنیانگذار اصول جدید تعلیم و تربیت، ادا کرده‌اند؟ نه درسی در کتاب‌های درسی، نه خیابانی، نه میدانی، نه تندیس‌ی، نه زندگینامه دقیق و جامعی، نه... خلاصه این که هیچ وزارتخانه و نهادی، هیچ کاری که در شان جایگاه علمی و خدمات فراوان این مرد بزرگ باشد، انجام نداده است.

بیست و هشت سال است که به عنوان یک معلم بر سر سفره‌ای نشست‌ام که رشديه پهن کرده است؛ به همین علت تصمیم گرفتم که به پاس زحمات هفتاد ساله آن پیر معارف، هفت سال در راستای احیای آثار او بدون هیچ چشمداشت مادی تلاش کنم؛ باشد که دین خود را نسبت به او ادا کرده باشم؛ کفش‌های آهنین پوشیدم و برای گردآوری اسناد و مدارک به سراغ وزارتخانه عریض و طویل آموزش و پرورش در تهران رفتم و دست از پا درازتر بازگشتم؛ نه کتابی، نه سندی، نه مدرکی و از همه بدتر، نه انگیزه و همتی برای گردآوری مجموعه آثار رشديه.

برای مشورت به سراغ آقای محمد اسفندیاری به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رفتم. ایشان مثل همیشه تشویق کرد و به بیان تجربیات شخصی و راهنمای تخصصی پرداخت و گفت: «وقتی که من کتاب پیک آفتاب را نوشتم، یک نسخه را به مرحوم رضا بابایی هدیه کردم. وی بعد از مطالعه کتاب پیام داد که: نوشتن همین یک کتاب برای شما کافی است. این اثر «أم الكتاب» شما است که دیگر آثار به منزله شاخ و برگ‌های آن محسوب می‌شود؛ کار برای میرزا حسن رشديه هم از همین نوع کارها محسوب می‌شود». این جمله آقای اسفندیاری به من روحیه داد و کار را ادامه دادم.

به سراغ کتابخانه ملی و مجلس و ملک رفتم و با استقبال و همکاری بسیار خوب مدیران و کارشناسان مواجه شدم و اسناد زیادی را فراهم کردم و برای ادامه جستجو از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله بروجرودی قم کمک خواستم و از محبت ایشان هم بسیار بهره بردم؛ کتابخانه‌های عمومی و تخصصی شهرهای تبریز، رشت، شیراز، کاشان، مشهد و اصفهان را هم به کمک برخی از دوستان عزیزم جستجو نمودم و مدارک و اسنادی را به مجموعه اضافه نمودم؛ در ادامه جستجو با سرکار خانم بهدخت رشديه از نوادگان میرزا حسن رشديه آشنا شدم که ایشان هم مؤسسه‌ای را برای گردآوری و ثبت اسناد رشديه تاسیس کرده بود؛ وی نیز در کمال بزرگواری، تمامی مدارک و اسناد خود را که حاصل سال‌ها تلاش بوده در اختیار من قرار داد که هم بر غنای مجموعه افزود و هم مسیرهای جدیدی را فراروی من قرار داد. اینک هفت سال از این عهد و پیمان من با رشديه گذشته است و حاصل این سیر و سلوک علمی در قالب این کتاب عرضه میشود.

مجموعه حاضر شامل کتب درسی و نشریات علمی و آموزشی است که رشديه برای اولین بار به سبک جدید فراهم کرده و در طول سال‌های متمادی در مدارس تازه تاسیس خود تدریس نموده است. هدف از گردآوری و بازنشر این کتب

به هیچ وجه بزرگنمایی تالیفات رشدیه یا زنده کردن تدریس این کتب نیست؛ هدف، فقط و فقط احیای این آثار به منظور تجزیه و تحلیل پژوهشگران و کارشناسان و برنامه ریزان نظام تعلیم و تربیت است؛ اگر به درستی از سابقه علمی و میراث مکتوب خود خبر نداشته باشیم که متاسفانه خبر نداریم، نمی توانیم برای آینده برنامه ریزی دقیق و علمی داشته باشیم؛ به عنوان مثال، امروزه متاسفانه مولفان کتب درسی ادبیات فارسی از سابقه حدوداً صد و پنجاه ساله تالیف کتب فارسی خبر ندارند و نمی دانند که تالیف این گونه کتب چه فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته و چه تجربیات نابی در دل این گنجینه‌های فراموش شده نهفته است؛ کتب درسی رشدیه، می‌بایست به عنوان یک میراث فرهنگی ثبت شوند؛ زیرا مجموعه تجربیات یک نویسنده کتب درسی با آزمون و خطاهای ناگزیر است که برای مولفان کتب درسی و برنامه ریزان نظام تعلیم و تربیت بسیار قابل استفاده است.

جستجو برای یافتن دیگر تالیفات رشدیه همچنان ادامه دارد و امید است که با راهنمایی و جوانمردی اهل تحقیق، چاپ دوم این اثر، کامل‌تر از چاپ حاضر باشد.

دوست داشتم که حاصل این هفت سال را در قالب سه جلد کتاب منتشر کنم که به قول آقای اسفندیاری، کتاب عمرم محسوب شود:

دفتر اول: مجموعه آثار رشدیه: شامل کتب درسی و نشریات علمی و آموزشی رشدیه.

دفتر دوم: مجموعه اسناد رشدیه: شامل اسناد و مکاتبات اداری، خاطرات و یادداشت‌های پراکنده رشدیه.

دفتر سوم: شناختنامه رشدیه: شامل مجموعه مقالات مخالفان و موافقان رشدیه.

اما متاسفانه روزمرگیها و روزمرگیها مانع از این کار بزرگ شد و من نتوانستم مجموعه اسناد و مقالات را به پایان برسانم. امید است که چاپ این جلد، انگیزه تکمیل این مجموعه را به وجود بیاورد.

در مظلومیت میرزا حسن رشدیه چه در زمان حیات و چه در زمان ممات، همین بس که هیچ کدام از موسسات فرهنگی و انتشاراتی وابسته به وزات آموزش و پرورش و وزارت علوم و چند مرکز تحقیقاتی وابسته به حوزه علمیه قم که وظیفه شان زندگینامه نویسی روحانیان و عالمان دینی است، انتشار مجموعه آثارش را قبول نکردند. مدیران دانشگاهی موسسات عریض و طویل می‌گفتند که رشدیه روحانی است و بایدیم موسسه مذهبی قم، بانی این کار بشود؛ مدیران حوزوی هم با این بهانه که رشدیه فقط یک پیشنماز ساده بوده نه یک اندیشمند صاحب اندیشه و ایده از انجام این کار شانه خالی کردند.

اما مدیریت گوهر شناس و مرواریدپسند انتشارات کتاب طه آقای سید علیرضا صالحی به ندای این معلم درویش پاسخ مثبت داد و افتخار نشر این اثر را نصیب خود کرد و برگ زرین دیگری به کارنامه پربرگ و پر بار خود افزود...

در پایان از تمامی دوستانی که با راهنمایی‌ها و دلگرمی‌های خود، سختی جستجو را آسان کردند، سپاسگزاری می‌نمایم: بهدخت رشدیه، رسول جعفریان، حسن ذوالفقاری، محمد سوری، احمد عزتی پرور، رحیم روحبخش، حسین محمدزاده صدیق، مهرداد فردیاری، علیرضا ابادری، محمد مهبیار، سید صادق حسینی اشکوری، سید محمد رضا آصف آگاه، محمد علی باقرزاده، بابک عارفی، زینب پاپی، علی مرادی مراغه‌ای، مجید داداش نژاد، رضا بابایی، محمد اسفندیاری، محمد هادی خالقی، هادی ربانی، محمد علی کلهر، صادق برزگر، اسماعیل رهنورد، سید محمد حسین محمدی، محمد سپهری، محمد بقایی، محمد ابراهیم خسرو بگی.

هیچ اگر سایه پذیرد، منم آن سایه هیچ

سید رضا باقریان موحد

۱۳۹۹/۹/۱۵

